



پرونده «جوان» از مسئله بسیار مهم تابلوهای شهری در فرهنگ و تمدن‌سازی که درباره آن ساده‌انگاری شده است

شهر در محاصره تابلوهای غلط

مهسا گربندی

تابلوهای عریض و طویل با رنگ‌های مختلف که هر کدامشان در ارتفاع دلخواه نصب شده، چهره شهر را به هم ریخته است. آنطور که به نظر می‌رسد یا قانونی برای الزام به نصب تابلوهای هماهنگ و منظم وجود ندارد یا اگر قانونی باشد، نظارت بر اجرای آن کافی نبوده است، چرا که شاهد آن هستیم هر مغازه یا حتی هر ادارای بنا به سلیقه شخصی خود، تابلویی را انتخاب و نصب کرده است.

در کنار تابلوهای نامتناسب و کج و معوجی که سر در اصناف و مغازه‌ها نصب شده است، برخی

آلودگی بصری روی مخ شهروندان

در خیابان‌های شهر انواع و اقسام تصاویر روی تابلوهای سردر اصناف و همچنین تابلوهای تبلیغاتی وجود دارد که ما هر روز آنها را می‌بینیم و باعث آشفته‌گی ذهن مان شده و تمرکز فکری مان را نیز به هم ریخته است. این مسئله در درآمدت افراد را دچار پریشانی ذهنی و بیماری روحی می‌کند و همین امر یکی از دلایل اصلی کاهش رانندگی در میان شهروندان است.

بسیاری از پایتخت‌نشینان نسبت به بی‌سامانی تابلوهای شهری معترضند اما گویی برای شنیدن این اعتراضات وجود ندارد. آقای حسینی یکی از ساکنان تهران است که هر روز از شرق تهران به سمت مرکز شهر تردد می‌کند. او در پاسخ به این سؤال که شهرش را از لحاظ بصری و تابلوهای موجود در آن چگونه توصیف می‌کند؟ می‌گوید: «شهر به‌هم‌ریخته‌ترین توصیف از تهران است چرا که شما انواع و اقسام تابلوها را می‌بینید که نه در یک ارتفاع مشخص نصب شده است و نه ابعادی شبیه یکدیگر دارد.»

او ادامه می‌دهد: «هر چند وقت یک بار عکسی از تابلوهای مختلف در سراسر کشور منتشر می‌شود



کسبه و ادارات حواس شان به نظم شهر نیست چرا سازمان زیباسازی بی توجه است؟

شاید هر تابلویی نصب شده در سردر مغازه‌ها و ادارات، به تنهایی زیاده‌اش باشد اما وقتی همه آنها در کنار هم قرار می‌گیرند، بی‌نظمی عظیمی را در نمای شهر ایجاد می‌کنند که در نهایت موجب آلودگی بصری می‌شود. یک کاتب همیشه سعی می‌کند تابلویی را برای سردر مغازه‌اش انتخاب کند که بیشترین جلب توجه و تأثیر را در میان رهگذران داشته باشد. در چنین شرایطی صاحبان مغازه یا فروشگاه‌ها، حواس شان به زیبایی شهر نیست اما سازمان زیباسازی شهرداری تهران که اصلی‌ترین سازمان برای مقابله با این بی‌نظمی در شهر است چرا اقدام مؤثری انجام نمی‌دهد؟ شهرداری تهران با پرسنل زیادی که دارد آیا نباید تدبیری بیندیشد و آلودگی بصری ایجادشده با این تابلوها را رفع کند؟ در مقابله با این بی‌نظمی در شهر، هیچ اقدام مؤثری از سوی سازمان زیباسازی شهرداری تهران دیده نمی‌شود و این سازمان تنها اقدام به اخذ پول با عنوان «عوارض» از اصناف و کسبه‌های می‌کند که تابلوهای



از دستورالعمل رد شوید و عوارض بدهید

با جست‌وجویی کوتاه شماره بسیاری از تابلوسازان تهران پیدا می‌شود. درباره مراحل و قوانین موجود برای نصب تابلوی سردر شهر از یکی از این تابلوسازان سؤال می‌پرسم. آقای کریمی درباره مجوز نصب تابلوی سردر مغازه‌ها و فروشگاه‌ها می‌گوید: «برای گرفتن مجوز نصب تابلو چند دستورالعمل ساده وجود دارد، مثلاً اینکه حروف لاتین استفاده‌شده در تابلو نباید بیش از ۳۰ درصد باشد.» او درباره غلط‌های املائی و نگارشی موجود در تابلوها این‌گونه توضیح می‌دهد: «اینکه شما «تهران» بنویسید یا «تهران» برای اخذ مجوز مشکلی ندارد، حتی می‌توانید یک کلمه از عنوان مغازه را برعکس بنویسید و سازمان زیباسازی شهر را توجیه کنید که این یک کلمه جزو طراحی لوگوی مغازه‌تان است، البته برخورد شهرداری‌ها در ادوار مختلف سلیقه‌ای بوده و ممکن است بارانه مجوز برای چنین تابلویی مخالفت شود.»



تابلوساز دیگری به نام آقای حیدری نیز درباره ارائه مجوز نصب تابلوی

سردر مغازه می‌گوید: «شهرداری برای تابلوهای سردر مغازه‌ها و اصناف اندازه مشخصی را تعیین کرده است و اجازه نصب تابلوها را در هر ارتفاعی نمی‌دهد.» او در پاسخ به این سؤال که چطور چنین دستورالعملی وجود دارد اما خلاف آن در سطح شهر مشاهده می‌شود، اظهار می‌دارد: «حتمالاً این مغازه‌داران که خلاف دستورالعمل رفتار کرده‌اند، عوارض پرداخت می‌کنند.»

عجیب است! دستورالعمل مشخص است اما برخی کسبه برای عدم رعایت آن، پول پرداخت می‌کنند، یعنی شهرداری با گرفتن پول، مهر تأیید بر زشتی شهر می‌زند و کسبه هم آن را پذیرفته‌اند!

چرا آرای دیوان عدالت اداری در حوزه زیباسازی شهر کم است؟

بدیهی است ورود دیوان عدالت اداری در این خصوص به عنوان یک مرجع قضایی در فرض تخلف دستگاه‌های اجرایی از جمله شهرداری‌ها به عنوان یک نهاد عمومی غیردولتی در رسیدگی به موضوع شکایت تحت عنوان احراز وقوع تخلف در صورت شکایت مطروحه از شهروندان است.»

او درباره تفاوت تابلوهای معرّف و تابلوهای تبلیغاتی اظهار می‌دارد: «تابلوها دو دسته‌اند: اول تابلوهای معرف یا شناسایی و دوم تابلوهای تبلیغاتی. تابلوهای معرف به آن دسته‌ای از تابلوهایی گفته می‌شود که معمولاً بر سردر مغازه‌ها و اصناف نصب می‌شوند و بیشتر مبین معرفی صنف خاص یا شناساندن واحد صنعتی هستند، به عنوان مثال درج عنوان «سوپر لبنیات امین» روی سردر یک مغازه به عنوان یک تابلوی معرف در نظر گرفته می‌شود که در این خصوص اخذ عوارض بابت تابلوهای معرف با توجه به اینکه شهرداری‌ها در این مورد خدماتی

ارائه نمی‌دهند، فاقد مجوز قانونی است. دسته دوم تابلوهای تبلیغاتی هستند که بیشتر جنبه تبلیغی دارند و فراتر از تابلوی معرف هستند، به عنوان مثال تبلیغ محصول یک شرکت لبنی خاص روی سردر تابلوی «سوپر لبنیات امین» به عنوان یک تابلوی تبلیغاتی محسوب می‌شود و شهرداری‌ها در این خصوص مستحق دریافت عوارض هستند.»

دکتر پیوست ادامه می‌دهد: «فلسفه صادر شدن رأی دیوان عدالت اداری مبنی بر دریافت نکردن عوارض از سوی شهرداری بابت تابلوهای سردر مغازه و اصناف این است که چنانچه تابلوی بصری اعلام شده به عنوان یک تابلوی معرف یا شرایطی که عنوان شده، باشد، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در آرای صادره متعدد از جمله رأی شماره ۷۱۰ مورخه ۱۳۹۴/۳/۱۶ حکم به ابطال مصوبات شوراهای اسلامی مبنی بر وضع عوارض بر تابلوهای معرف صادر کرده است.»

در حالی که شاهد بی‌نظمی و آشفته‌گی در تابلوهای سردر مغازه‌ها و اصناف هستیم، این سؤال مطرح می‌شود که آیا قانونی برای الزام به ساماندهی تابلوها و رعایت معماری شهر وجود ندارد؟

دکتر رحمان پیوست، مستشار تجدیدنظر دیوان عدالت اداری و رئیس هیئت تخصصی شوراهای اسلامی در پاسخ به این سؤال که چرا آرای دیوان عدالت اداری در حوزه زیباسازی شهر بسیار کم است و اثر ملموسی در شهر ندارد؟ می‌گوید: «موضوع زیباسازی شهری از جمله وظایف اختصاصی شهرداری هاست و قانونگذار با استناد به بندهای ۱ و ۲ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها، ایجاد خیابان‌ها، کوچه‌ها، میدان‌ها و همچنین توسعه، تنظیف، نگهداری و تسطیح معابر را از جمله وظایف شهرداری‌ها اعلام کرده است.



دیوان عدالت اداری در پاسخ به این سؤال که چرا آرای دیوان عدالت اداری در حوزه زیباسازی شهر بسیار کم است و اثر ملموسی در شهر ندارد؟ می‌گوید: «موضوع زیباسازی شهری از جمله وظایف اختصاصی شهرداری هاست و قانونگذار با استناد به بندهای ۱ و ۲ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها، ایجاد خیابان‌ها، کوچه‌ها، میدان‌ها و همچنین توسعه، تنظیف، نگهداری و تسطیح معابر را از جمله وظایف شهرداری‌ها اعلام کرده است.



وعده ساماندهی تابلوها در فراموشی

در سال‌های اخیر و طی چندین دوره از شورای شهر تهران، قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های زیادی در حوزه ساماندهی به تابلوها مشخص شد که طبق آن شهردار تهران باید به نوع تابلو، اندازه و سایر موضوعات مرتبط با آن رسیدگی می‌کرد. سال گذشته نیز بر اساس مصوبه جدید شورای شهر تهران قرار شد تبلیغات و تابلوهای غیرمتعارف مغازه‌ها، عوارض داشته باشد و این عوارض صرف زیباسازی سردر اصناف در خیابان‌ها شود.

تیرماه سال ۱۳۹۳ نخستین باری بود که شورای شهر وقت به فکر ساماندهی تابلوهای صنعتی در تهران افتاد، اما در این هشت سال فقط بخش‌های خاصی از تهران همچون میدان بهارستان، میدان فردوسی و چهارراه سرچشمه، زیباسازی شدند. طبق قانون تمام تابلوهایی که بر سردر مغازه‌ها قرار گرفته‌اند، اگر از لحاظ اندازه بیش از استاندارد مجاز باشند - که حدود یک متر و ۳۰ سانتیمتر است - یا عنوان درج شده روی تابلو مربوط به عملکرد مغازه نباشد، مشمول عوارض خواهند شد. متأسفانه به غیر از دریافت عوارض از این تابلوها، عزم و اراده جدی برای ساماندهی سردر مغازه‌های پایتخت وجود نداشته است و سازمان زیباسازی شهرداری تهران که وظیفه اصلی ساماندهی این تابلوها را بر عهده دارد، از مسئولیت خود شانه خالی کرده و توجه چندانی به آن نداشته است.

نادیده گرفته شدن حقوق شهروندی

شلیختگی تابلوهای شهری، حقوق شهروندی را نادیده گرفته است. مصطفی پودراتچی، کارشناس مسائل شهری و عضو بازنشسته هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی درباره بی‌سامانی تابلوهای شهری می‌گوید: «تابلوهای تبلیغاتی به شدت زیاد هستند و ذهن رهگذران را مخدوش می‌کنند. از طرفی تابلوهای شکسته و کج و معوج که در سردر اصناف اوپران شده‌اند شهر را شلخته کرده‌اند.» او ادامه می‌دهد: «متأسفانه هر کسی هر کاری که دلش می‌خواهد، می‌کند و بی‌توجه به زیبایی شهر تابلوی دلخواهش را نصب می‌کند. در چنین شرایطی هیچ نهادی نیست که به این مسئله رسیدگی کند، البته شهرداری اقداماتی انجام داده اما ظاهر فعلی تهران نشان می‌دهد اقدامات کافی نبوده است.»



پودراتچی در پاسخ به این سؤال که به‌هم‌ریختگی تابلوها چه بلایی سر شهروندان می‌آورد؟ می‌گوید: «قطعاً تأثیرات سوئی خواهد گذاشت. برای مثال رهروی دانشگاه تهران که انواع و اقسام مغازه‌ها برای برینت و تاپ‌زاد است و هر کدامشان به صورت نامنظم تابلویی نصب کرده‌اند، رهگذران با نگاه کردن به آنها احساس تشویش و اضطراب می‌کنند و هیچ‌کس حواسش به اصلاح این به‌هم‌ریختگی که اضطراب‌رانی ایجاد کرده است، نیست.» او با تأکید بر اینکه حقوق شهروندی در نصب تابلوهای نامتناسب نادیده گرفته شده است، اظهار می‌دارد: «هر چیزی که در شهر چه از لحاظ فیزیکی و چه از لحاظ روانی به فرد آسیب بزند یا به او آزار برساند، حقوق شهروندی را نادیده گرفته است.»

پودراتچی با انتقاد از عملکرد سوء مسئولان برای توجه به ظاهر شهر تصریح می‌کند: «متأسفانه باید گفت که بسیاری از مسئولان شهری نه تنها خودشان کاری انجام نمی‌دهند، بلکه اگر کارشناسان هم بخواهند اقدامی کنند، مانع می‌شوند. خود من قصد داشتم تحقیقی را روی فضای سبز دانشگاه‌های تهران انجام دهم، اینکه آیا این فضای سبز مطلوب است یا نه؟ برای پاسخ سؤالاتم نامه‌ای را با ۱۹ امضا تهیه کردم اما در نهایت به من نگفتند فضای سبز چقدر است؟ حالا یا نمی‌دانستند یا نمی‌خواستند آمار بدهند.»

مصطفی پودراتچی، کارشناس مسائل شهری



واژگان بیگانه روی در و دیوار شهر

موضوع پاسداشت زبان و ادب فارسی و تأکید بر صیانت از آن از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و قوانین و دستورالعمل‌های مختلفی بر رعایت این موضوع تأکید کرده‌اند، برای مثال «قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه» مصوب سال ۱۳۷۵، نقش و وظایف همه دستگاه‌ها و نهادهای متولی از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شهرداری‌ها، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، وزارت کشور، نیروی انتظامی، آموزش و پرورش، وزارت بهداشت، صداوسیما و مطبوعات را در این خصوص مشخص کرده است، اما شاهد استفاده از عناوین و اصطلاحات بیگانه در تابلوهای شهر هستیم.



نسرین پرویزی، معاون گروه‌های واژه‌گزینی و فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی درباره نگارش و املا غلط در تابلوهای سردر شهری و تبلیغاتی می‌گوید: «تابلوهای خیابان‌ها برای اخذ مجوز باید مراحل مختلفی را بگذرانند اما متأسفانه برخی از این فرایندها چه در تابلوهای سردر ساختمان‌ها و چه در تابلوهای تبلیغاتی به خوبی رعایت نمی‌شود.» او ادامه می‌دهد: «قانونی تحت عنوان قانون منع به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه وجود دارد که این قانون سال ۱۳۷۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. در این قانون که آیین‌نامه اجرایی آن سال ۱۳۷۸ نوشته شده است، همه نهادها مکلف به رعایت زبان فارسی و به کار نبردن واژگان بیگانه شده‌اند. متأسفانه این قانون سال‌هاست درست اجرا نشده است.»

پرویزی اظهار می‌دارد: «چند سال است که شورایی به نام شورای هماهنگی پاسداشت زبان فارسی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شده و رئیس آن خود وزیر است. این شورای یک کمیسیون دائمی دارد و جلساتی هم تشکیل می‌دهد. در جلسات همه نهادها حضور دارند. در حال حاضر تذکر یا ترمز کم‌بیشتر بر سر فارسی بودن الفاظ است و در مرحله بعد، اینکه باید به خط و نوع نگارش توجه ویژه‌تر از غیر این صورت بیاوریم. مخصوصاً برای کسانی که تازه سواد یاد گرفته‌اند و برای هر کسی چه و چه بزرگسال ایجاد اشکال می‌کند. بدتر اینکه برخی اوقات نوشتن صحیح یک کلمه در میان عموم مردم به املا غلط تغییر می‌کند.»

معاون گروه‌های واژه‌گزینی و فرهنگ‌نویسی فرهنگستان در پاسخ به این سؤال که آسیب‌های بی‌توجهی به نوشتار صحیح کلمات در تابلوها چیست؟ می‌گوید: «آسیب‌های زیادی دارد، مثلاً اینکه صورت نوشتاری خط فارسی دچار تشبث می‌شود. در حال حاضر کلمات زیادی را می‌بینیم که دو مدل نوشته می‌شود؟ اینها مسائلی است که در میان نواوران مشکلاتی را ایجاد می‌کند و در نهایت در خط ما اثر می‌گذارد، چون اگر جامعه به این سمت برود که کلمات را تغییر دهد، در فهم آن و ارتباط با متون گذشته، دچار مشکل خواهیم شد، البته این اتفاق مشکلات فرهنگی زیادی هم ایجاد می‌کند.»

او اظهار می‌دارد: «آن چیزی که با گفتار بیان می‌کنیم، زمین تا آسمان با آن چیزی که می‌نویسیم فرق دارد، بنابراین منظور از نوشتار فارسی، نوشتار رسمی متون فارسی است. حالا اگر گفتاری را قرار باشد وارد تابلو کنیم، این باید در شورا مطرح شود، از فرهنگستان استعلام شود که آیا این صورت گفتاری درست است یا نه؟ مثلاً در صورت‌های نوشتاری مثل رمان‌ها، حالت‌های گفتاری هم دیده می‌شود، اما اگر نویسنده بخواهد در زبان فارسی تشبثی ایجاد کند، وزارت ارشاد مسئول رسیدگی به آن است. این طور نیست که هر کسی هر طور که دلش می‌خواهد صورت نوشتاری را به گفتاری در بیاورد. اینها باید اصول و قواعد آوایی و نوشتاری داشته باشد، بنابراین مسئولان در هر بخشی که دیدند متون مطابق کتاب‌های درسی که خوانده‌اند نبوده، باید از فرهنگستان استعلام بگیرند.»

پرویزی با اشاره به تجربه سایر کشورها برای دستورالعمل تابلوهای شهری خود تصریح می‌کند: «در کشور فرانسه دستورالعملی دارند که نباید ایمیل به صورت انگلیسی نوشته شود و حتماً باید فرانسوی باشد. آنها هم مسائل فرهنگی برای شان مهم است و نسبت به زبان‌شان بی‌توجه نیستند. مشکل ما این است که زبان مان تحت هجوم بیگانگی است. فرانسوی‌ها هم این را در زبان انگلیسی احساس می‌کنند، البته خیلی از کشورها با زبان انگلیسی مسئله دارند و متأسف هستند که زبان انگلیسی دارد به زبان خودشان هجوم می‌آورد، همین یک جاهایی مقررات گذاشته‌اند.»

او در واکنش به این سؤال که اگر قرار است تابلوهای شهری ما نیز عبارات انگلیسی نداشته باشد، پس چطور به وفور تابلوهای انگلیسی در شهر وجود دارد؟ می‌گوید: «بله درست است، قانون ۳۰ درصدی عبارت انگلیسی در بسیاری از تابلوها رعایت نشده است. متأسفانه برای نوشتار در تبلیغات و تابلوهای سردر اصناف به سمت غرب‌گرایی رفته‌ایم که اینها مسائل فرهنگی است و باید از جنبه فرهنگی به آن رسیدگی شود. ما باید با صیانت از زبان و پیشینه تاریخی مان افتخار و هویت ملی مان را حفظ کنیم. امیدواریم با همکاری رسانه‌ها که در فرهنگ مردم مؤثر است، بتوانیم به زبان سالم فارسی دست پیدا کنیم، زیرا در حال حاضر با چنین فعالیت‌های سوئی زبان مان بیچاره است.»



تابلوهایی که هست ولی نیست

موارد زیادی از تابلوهای سردر مغازه‌ها در شهر وجود دارد که قاب آن هست، ولی تصویری روی آن قرار نگرفته است. این تابلوهای خالی که تعدادشان کم نیست در کنار نمای کشیف و سیاه ساختمان، جلوه زشتی را تصویر کرده است. هر روز رهگذران زیادی از کنار این قاب‌های خالی و به مهر ریخته عبور می‌کنند اما هیچ‌کس حواسش به آثار منفی این آلودگی‌ها بر ذهن شهروندان نیست.

ویژگی‌ها، طرح و برنامه مشخص کنیم. کارشناسان این حوزه باید هویت‌سازی شهر تهران را بر اساس کاراکتری که دارد، تعریف کنند، آن وقت باید هر کدام از مناطق تهران دارای عناصر هویتی شوند، مثلاً منطقه ۱۲ تهران که بخش تاریخی پایتخت است یا منطقه تجریش که وضعیت کنونی برای شان سودآور است.»

کلهرنیا می‌گوید: «شهر تهران نیازمند درمان است و این درمان نیاز به ایجاد آیین‌نامه‌های اجرایی، مدیران اجرایی و حتی ضمانت اجرایی دارد. اگر مردم می‌دانستند که این حق برای شان چه اهمیت و سودآوری عظیم انسانی، اقتصادی و اجتماعی دارد، تمام شهرداران در ادوار مختلف را که نسبت به زیباسازی شهر بی‌توجه بودند، مورد بازخواست قرار می‌دادند. به نظر من شهرداران ادوار مختلف به دلیل غفلت از زیباسازی شهر باید محاکمه شوند.»

او درباره مزایای زیبایی شهر از لحاظ بصری اظهار می‌دارد: «وقتی یک شهر زیبا شود، کارگرد توریستی، اقتصادی و فرهنگی پیدا می‌کند. همچنین انگیزه انسانی می‌سازد، مسائل مهمی که متأسفانه مورد توجه مدیران شهری نبوده و نیست.»

این هنرمند تصریح می‌کند: «اگر بخواهیم هویت تهران را بسازیم و آن را از زنجیرها و بیماری‌ها نجات دهیم، ابتدا باید ببینیم تهران چیست؟ چه ویژگی‌هایی دارد و بر اساس آن

تابلوهای چند ده متری سردر ادارات!

بی‌توجهی به اصول زیبایی شهر فقط مربوط به تابلوهای سردر مغازه‌ها و فروشگاه‌ها نمی‌شود، بلکه برخی تابلوهای ادارات دولتی و غیر دولتی نیز با نوشته‌های بیش از حد بزرگ که بعضاً طول تابلو را به چندین متر رسانده است، طوری طراحی و نصب شده‌اند که نه زیبایی دارند و نه صرفه اقتصادی. این در حالی است که برخی از این ادارات دولتی، ارباب رجوع ندارند یا اگر هم داشته باشند مراجعه به آنها بسیار کم است، اما با نوشته‌های زمختی که دارند، زشتی شان از چند فرسخی خودنمایی می‌کنند! وقتی سازمانی دولتی یا حکومتی ارباب رجوع ندارد، برای چه تابلوی ۲۰ متری برقی نصب می‌کند که انرژی بی‌خود مصرف کند، مثلاً کارمندان راه‌شان را گم می‌کنند؟! بسیاری از این تابلوها چه می‌خواهد بگوید: معاونت طرح و برنامه و امور استخدامی فلان و بهمان! چه اهمیتی دارد این عنوان که تابلویی ۱۰ یا ۲۰ متری شود؟ و هر چند سال یک بار عوض شود؟



تابلوهای نصفه نیمه

برخی از تابلوها به مرور زمان فرسوده شده و کسی برای ترمیم آن دغدغه‌ای نداشته است. در بین این تابلوهای فرسوده، هستند تابلوهایی که برخی از حروف از کلمات آنها افتاده است و عنوان مغازه را ناخوانا کرده‌اند. این تابلوهای نصفه نیمه نیز به زشتی شهر افزوده است و مشخص نیست تا چه زمانی به همین شکل باقی می‌مانند؟ چرا هیچ‌کس مغازه‌داران را ملزم به تغییر تابلو به نفع زیبایی شهر نمی‌کند؟

«تهران» یکی از بدتابلوترین شهرهای جهان

او با بیان اینکه تهران، شهری با بی‌انضباطی مدیریتی است، اظهار می‌دارد: «تود کارشناسان در سیستم‌های سیاست‌گذاری و اجرایی کاملاً آشکار است. افراد غیرمتخصص دور از موضوع و حتی افرادی که دشمنی می‌کنند، وارد سیستم مدیریت شهری شده‌اند. چرا که این وضعیت کنونی برای شان سودآور است.»

کلهرنیا می‌گوید: «شهر تهران نیازمند درمان است و این درمان نیاز به ایجاد آیین‌نامه‌های اجرایی، مدیران اجرایی و حتی ضمانت اجرایی دارد. اگر مردم می‌دانستند که این حق برای شان چه اهمیت و سودآوری عظیم انسانی، اقتصادی و اجتماعی دارد، تمام شهرداران در ادوار مختلف را که نسبت به زیباسازی شهر بی‌توجه بودند، مورد بازخواست قرار می‌دادند. به نظر من شهرداران ادوار مختلف به دلیل غفلت از زیباسازی شهر باید محاکمه شوند.»

این هنرمند تصریح می‌کند: «اگر بخواهیم هویت تهران را بسازیم و آن را از زنجیرها و بیماری‌ها نجات دهیم، ابتدا باید ببینیم تهران چیست؟ چه ویژگی‌هایی دارد و بر اساس آن

متخصصان زیادی در حوزه گرافیک بصری در کشورمان وجود دارند که برای زیباسازی شهر از سواد آنها استفاده نمی‌شود. بهرام کلهرنیا، گرافیکست و هنرمند یکی از همین افراد است که درباره وضعیت فعلی گرافیک بصری شهر تهران می‌گوید: «به نظر من «تهران» یکی از زشت‌ترین شهرهای جهان است. متأسفانه مدیران شهری سواد کافی و فهم مناسبی از زیبایی شهر ندارند و اقتدر بی‌حوصله‌اند که حتی انگیزه‌های مدیران شهری، صدای کارشناسان و متخصصان گرافیکی را نمی‌شنوند و در نهایت می‌بینیم که سواد متخصص پیش خودش مانده و یک شهر بیمار و بی‌انضباطی مانند تهران شکل گرفته است که مانند سایر شهرهای کشور، زندگی شهروندان را تخریب می‌کند.»

او ادامه می‌دهد: «شهردان سیمای منطقی و درستی ندارد و بابت آن زبان می‌دهیم، ساعت‌هایی از زندگی می‌سوزد، بحران روحی و روانی ایجاد می‌شود و در نهایت یک شهر مریض داریم که درمان آن نیاز به همت مدیران شهری دارد.»

به گفته این هنرمند باید زیباسازی شهر به دست کارشناسان حوزه فرم، شکل و رنگ سپرده شود تا آن را بهبود ببخشند.



بهرام کلهرنیا، گرافیکست و هنرمند

